20 نكته در زمينه احكام شناسى

عبدالرحيم موگِهى

در شماره هاى پيشين، نكته هايى در زمينه «احكام شناسى» از مراجع بزرگوار تقليد ـ مدظلهم العالى ـ به قلم آورديم. در اين شماره نيز 20 نكته ديگر را طبق فتواى مقام معظم رهبرى، حضرت آيت الله خامنه اى ـ مد ظله العالى ـ ، به صورت سؤال و جواب تقديم مى داريم و به خواست خدا، در شماره هاى بعدى نكته هاى ديگرى را از مراجع عظام تقليد ـ دامت بركاتهم ـ به محضرتان تقديم مى كنيم.

سؤال: مى دانيم كه طبق نظر بسيارى از مراجع تقليد، لمس و مَسّ كردن نام خداوند بزرگ ـ به هر زبانى كه نوشته شده باشد ـ بدون طهارت و وضو حرام است. آيا لمس و مَسّ نمودن ضميرهايى كه به «خدا» باز مى گردند، مانند ضمير «هِ» در عبارتِ «بِاسمِهِ تَعالى» و ضمير «او» در عبارتِ «به نام او كه با صابران است»، بدون طهارت و وضو نيز حرام است؟

جواب: ضميرهايى كه به «خدا» باز مى گردند، حكم كلمه «خدا» را ندارند و بدون طهارت و وضو مى توان آنها را لمس و مَسّ كرد.[1]

سؤال: آيا آرم جمهورى اسلامى ايران كه كلمه «الله» در آن طراحى شده است، احكام مربوط به كلمه «الله»، مانند لمس و مَس نكردن آن بدون طهارت و وضو و بى احترامى ننمودن به آن را داراست؟ و آيا چاپ آن بر سربرگهاى ادارى و استفاده از آن در نامه نگارى هاى ادارى و جز آن، اشكال دارد؟

جواب: چاپ آرم جمهورى اسلامى ايران بر سربرگها و استفاده از آن در نامه نگارى ها و جز آن، اشكال ندارد; اما احتياط آن است كه احكام مربوط به كلمه «الله» در مورد آرم جمهورى اسلامى ايران نيز رعايت شود.[2]

سؤال: مرسوم شده است كه به جاى لفظ «الله»، لفظ «ا...» يا «اله» و مثلاً به صورت «آيت ا...» و «عبداله» را مى نويسند. حكم كسانى كه دو لفظ «ا...» و «اله» را بدون وضو لمس و مس مى كنند، چيست؟

جواب: همزه و نقطه ها «ا...» حكم لفظ «الله» را ندارد و مى توان بدون طهارت و وضو، آن را لمس و مس كرد; برخلاف لفظ «اله» كه حكم لفظ «الله» را دارد و نمى توان بدون طهارت و وضو، آن را لمس و مس نمود.[3]

سؤال: طبق فتواى شمارى از مراجع تقليد، لمس و مس نمودن نام خداى بزرگ و آيات قرآن و نامهاى معصومان ـ عليهم السلام ـ بدون طهارت و وضو حرام است. پرسشى كه گاه مطرح مى شود اين است: كسانى كه با دستگاه هاى رايانه و ماشين تايپ، اين نام ها و آيه ها را حروفچينى مى كنند، آيا بر آنان واجب است كه هنگام حروفچينى، با طهارت و وضو باشند؟

جواب: طهارت براى اين كار شرط نيست، ولى جايز نيست كه نوشته «تايپى و چاپ شده» آن را بدون طهارت، لمس و مس كنند.[4]

سؤال: شمارى از مراجع تقليد مى فرمايند: لمس و مس كردن نامهاى پيامبران، مانند «آدم»، «نوح»، «ابراهيم»، «موسى»، «عيسى»، «محمد» و نامهاى امامان، مانند «على» و «حسين» ـ عليهما السلام ـ بدون طهارت و وضو حرام است. آيا لمس و مس نمودن القاب پيامبران و امامان، مانند (امين) لقب پيامبر محبوب خدا حضرت (محمد) ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ و (اميرالمؤمنين) لقب امام على و (سيدالشهداء) لقب امام حسين ـ عليهما السلام ـ نيز بدون طهارت و وضو حرام است؟

جواب: احتياط آن است كه القاب پيامبران و امامان ـ عليهم السلام ـ نيز بدون طهارت و وضو لمس و مس نشود.[5]

سؤال: اگر هنگام مسح سر، رطوبت كف دست به رطوبت پيشانى برسد، وضو باطل مى شود؟

جواب: وضو اشكال ندارد; ولى چون احتياط در مسح پاها اين است كه با رطوبتى كه از وضو در كف دست ها باقى مانده است صورت گيرد، پس براى رعايت اين احتياط، بايد دست هنگام مسح سر به قسمت بالاى پيشانى كه با رطوبت صورت تماس پيدا مى كند، كشيده نشود تا رطوبت موجود در دست كه بايد پاها به آن مسح گردند ]نيز[ با رطوبت صورت مخلوط نشود.[6]

سؤال: آيا وقت نماز به مجرد شروع اذان آغاز مى شود، يا اين كه بر نمازگزار واجب است تا تمام شدن اذان منتظر باشد و سپس نمازش را بخواند؟ و نيز آيا براى روزه دار جايز است كه به مجرد شروع اذان افطار نمايد، يا اين كه او هم بايد صبر كند تا اذان به پايان برسد؟

جواب: چنانچه اطمينان حاصل شود كه اذان از هنگام فرارسيدن وقت شرعى آغاز شده است، منتظر بودن و صبر كردن تا تمام شدن اذان، واجب نيست.[7]

سؤال: شنيده ايم كه مكان نمازگزار بايد پاك باشد. چنانچه روى فرش يا موكت يا حتى سجاده اى كه قبلاً نجس شده، ولى الآن خشك است نماز بخوانيم، نمازمان صحيح است؟

جواب: اگر نجس بودن مكان به گونه اى است كه به لباس يا بدنِ نمازگزار سرايت نمى كند و محل سجده ]= روى مُهر نماز[ نيز پاك است، نماز خواندن در آن مكان اشكال ندارد.[8]

سؤال: مى دانيم كه هنگام خواندن ذكرهاى واجب نماز، مانند ذكر ركوع و سجود، بايد بدن نمازگزار آرامش داشته باشد و حركت نكند. آيا هنگام خواندن ذكرهاى مستحب نماز، غير از ذكر مستحبِ «بِحَوْلِ اللّهِ وَ قُوَّتِهِ اَقومُ وَ اَقْعُدُ»، مانند «اللّهُ أَكْبَر»هاى بين نماز و «سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَهُ»، نيز بايد بدنِ نمازگزار آرامش داشته و بدون حركت باشد؟

جواب: در اينكه هنگام نماز، واجب است بدن نمازگزار استقرار و آرامش داشته باشد، ميان ذكرهاى واجب و مستحب نماز تفاوتى نيست و بايد هنگام خواندن ذكرهاى مستحب نماز نيز بدن نمازگزار آرامش داشته و بدون حركت باشد.[9]

سؤال: گاه هنگام خواندن نماز واجب، بچه اى را مى بينيم كه مشغول انجام دادن كار خطرناكى است. آيا جايز است كه ما برخى از كلمات حمد و سوره يا ذكرهاى نماز را با صداى بلند بخوانيم تا آن بچه يا كسى كه در خانه است، متوجه شود و خطر برطرف گردد؟ و چنانچه در نماز، دست ها يا ابروهاى خود را براى فهماندن چيزى به كسى و يا جواب دادن به سؤال شخصى تكان دهيم، اشكال دارد؟

جواب: اگر بلند كردن صدا هنگام خواندن حمد و سوره يا ذكرهاى نماز براى متوجه كردن ديگران، موجب نشود كه شكل نماز به هم بخورد، اشكالى ندارد به شرط آن كه بلند كردن صدا هنگام خواندن حمد و سوره و ذكرهاى نماز به همان نيت حمد و سوره و ذكرهاى خود نماز باشد; البته حرف زدن هنگام نماز يا انجام دادن حركتى كه با استقرار و آرامش در نماز و يا با شكل نماز منافات داشته باشد، باعث مى گردد كه نماز باطل شود.[10]

سؤال: در رساله هاى توضيح المسائل مى خوانيم: نمازگزار در سجده بايد سر دو انگشت بزرگ پاهايش را بر زمين بگذارد، و اگر انگشت هاى ديگر پايش را بر زمين بگذارد، نمازش باطل است. آيا در صورتى كه نمازگزارى، علاوه بر گذاشتن سر دو انگشت بزرگ پاهايش بر زمين، سر انگشتهاى ديگر پاهايش را نيز بر زمين بگذارد، نمازش اشكال دارد؟

جواب: نمازش اشكال ندارد.[11]

سؤال: اگر امام جماعت در حال خواندن نماز مغرب يا عشا و در ركعت سوم يا چهارم نماز است و تسبيحات اربعه را با صداى آهسته مى خواند، ولى مأموم در ركعت اول يا دوم نماز و در حال خواندن حمد و سوره است، آيا بايد حمد و سوره اش را با صداى بلند بخواند يا اينكه از امام جماعت تبعيت كند و حمد و سوره نماز مغرب يا عشايش را با صداى آهسته بخواند؟

جواب: در اين حالت، واجب است كه حمد و سوره نمازش را به صورت آهسته بخواند.[12]

سؤال: بعضيها مى گويند: اگر زنان در خانه خود نماز بخوانند، ثواب و فضيلت آن بيشتر از نماز خواندن آنان در مسجد است. آيا اين گفته، صحيح است؟

جواب: ثواب و فضيلت داشتنِ خواندن نماز در مساجد به مردان اختصاص ندارد.[13]

سؤال: برخى ها مى گويند: نبايد عكس حضرت امام خمينى ـ قدس سره ـ و شهداى انقلاب اسلامى و جنگ تحميلى را در مساجد نصب كرد. آيا نصب عكس در مساجد اشكال دارد؟

جواب: نصب عكس در مساجد منع شرعى ندارد، و چنانچه در جهت قبله و روبه روى نمازگزار نباشد، كراهتى هم ندارد.[14]

سؤال: گاه برخى از رانندگان اتوبوسهاى مسافربرى كه بين شهرها در حال رفت و آمد هستند، به نماز خواندن مسافران توجهى نمى كنند و به درخواست آنان براى توقف اتوبوس و پياده شدن براى خواندن نماز پاسخ مثبت نمى دهند و به همين سبب، گاه نماز مسافران قضا مى شود. وظيفه رانندگان اتوبوس در اين مورد و وظيفه مسافران نسبت به نمازشان در اين حالت چيست؟

جواب: بر مسافران واجب است، در صورتى كه احتمال بدهند وقت نمازشان مى گذرد، از راننده بخواهند كه اتوبوس را براى خواندن نماز در جاى مناسبى نگه دارد. و بر راننده نيز واجب است كه به درخواست آنان پاسخ مثبت بدهد. و چنانچه راننده، به سبب عذرى صحيح و يا بدون سبب، از متوقف كردن اتوبوس خوددارى ورزد، تكليف مسافران، در صورتى كه بترسند وقت نمازشان بگذرد، اين است كه نماز را در اتوبوس در حال حركت و رو به قبله و با انجام دادن قيام و ركوع و سجود ـ به اندازه اى كه امكان دارد ـ به جا آورند.[15]

سؤال: لطفاً نظر مباركتان را درباره «وطن اصلى»، «وطن دوم»، و «اِعراض از وطن» بيان فرماييد؟

جواب: وطن اصلى جايى است كه انسان در آن جا به دنيا آمده و مدتى در آنجا بوده و بزرگ شده است; و وطن دوم جايى است كه مُكَلَّف براى سكونت دائم خود ـ هر چند به مدت چند ماه در سال ـ برگزيده است. و معناى اِعراض از وطن اين است كه انسان از وطن خود خارج شود و بناى بازگشت دوباره به آن جا را براى سكونت نداشته باشد.[16]

سؤال: آيا محل كار انسان در حكم وطن اوست كه بايد در آن جا نمازش را به صورت كامل بخواند و روزه اش را بگيرد؟

جواب: اشتغال به كار در محلى موجب نمى شود كه آن محل، وطن انسان شود; ولى چنانچه فاصله ميان محل سكونت تا محل كار به اندازه مسافت شرعى ]= چهار فرسنگ شرعى[ باشد و در هر ده روز، حداقل يك بار، اين فاصله را طى كند، آن گاه بر محل كار او حكم وطن جارى مى شود و بايد نمازش را به صورت كامل بخواند و روزه اش را نيز بگيرد.[17]

سؤال: چنانچه كسى براى زيارت بارگاه امام رضا ـ عليه السلام ـ به مشهد مقدس مسافرت كند و بداند كه كمتر از ده روز در آنجا مى ماند، ولى براى اينكه نمازش را به صورت كامل بخواند، نيت ماندن ده روز در مشهد مقدس را مى نمايد، حكم نماز او چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر مى داند كه به مدت ده روز در مشهد مقدس نمى ماند، ديگر قصد ماندن ده روز براى او معنايى نداشته، چنين قصدى اثرى نيز ندارد و بايد نمازش را در آنجا به صورت شكسته بخواند.[18]

سؤال: شخصى به جايى مسافرت مى كند و نمى داند كه ده روز در آن جا مى ماند يا كمتر از ده روز. آيا نمازش را به صورت كامل بايد بخواند يا به صورت شكسته؟

جواب: بايد نمازش را به صورت شكسته بخواند.[19]

سؤال: شخصى در ]يكى از[ خانه هاى دولتى زندگى مى كند كه مدت سكونتش به پايان رسيده و حكم تخليه آن نيز صادر شده است. نماز و روزه چنين شخصى، پس از موعد مقرر، چه حكمى دارد؟

جواب: اگر او در استفاده از اين خانه از سوى مسئولان ذى ربط و پس از پايان موعد مقرر، مُجاز نباشد، تصرفات وى از آن پس، در حكم غصب است.[20]

پى نوشت :

[1]- أَجوِبَةُ الاستفتاءات، ج 1، ص 42، س 151.

[2]- همان، ج 1، ص 44، س 162 و 163.

[3]- همان، ج 1، ص 42، س 152.

[4]- همان، ج 1، ص 44، س 160.

[5]- همان، ج 1، ص 47، س 173.

[6]- همان، ج 1، ص 40، س 146.

[7]- همان، ج 1، ص 103، س 373.

[8]- همان، ج 1، ص 108، س 388.

[9]- همان، ج 1، ص 99، س 252.

[10]- همان، ج 1، ص 144، س 519.

[11]- همان، ج 1، ص 141، س 504. گفتنى است آنچه نماز را باطل مى كند اين است كه نمازگزار سر دو انگشت بزرگ پاهايش را بر زمين نگذارد، و به جاى آنها سر انگشتهاى ديگر پاهايش را بر زمين بگذارد.

[12]- همان، ج 1، ص 160 س 580.

[13]- همان، ج 1، ص 112، س 401 و ص 167، س 605.

[14]- همان، ج 1، ص 107، س 385.

[15]- همان، ج 1، ص 212، س 743.

[16]- همان، ج 1، ص 200، س 708 و 709.

[17]- همان، ج 1، ص 199، س 707.

[18]- همان، ج 1، ص 192، س 684.

[19]- همان، ج 1، ص 192، س 686.

[20]- همان، ج 1، ص 108، س 386.